

منبع معدن تجارت

منشور اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در روزنامه منبع معدن تجارت www.smtnews.ir/about.html	
 صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی و مطبوعاتی «منبع»	
مدیرمسئول: عاطفه خسروی	
 سازمان آگهی‌ها: ۰۸۸۱-۵۲۸۸-۰۹۱۹۱۲۱۴۰۶ ایمیل آگهی‌ها: ads.smtnews@gmail.com	
تلفن: ۰۲۱۹۰(داخلی--۱۰۸)	
توزیع و سازمان شهرستان‌ها: ۰۸۸۱-۵۲۸۸	
تهران، خیابان قائم مقام فر اهانی - کوچه آزادگان شماره ۲۶ - کدپستی ۱۵۸۶۷۲۳۸۱	
روابط عمومی: pr@smtnews.ir	
چاپخانه: صمیم	
 www.smtnews.ir telegram.me/smtnews instagram.com/smtnewspaper tozi.smtnews@gmail.com	 info@smtnews.ir instagram.com/smtnewspaper http://eitaa.com/smtnews
https://ble.ir/smtnews	
عضو انجمن مدیران روزنامه‌های غیردولتی عضو انجمن مدیران رسانه عضو تعاونی مطبوعات	

شعار منبعمعدن تجارت: «منبع»موسسه فرهنگی و مطبوعاتی

فصل پایانی هر سال، گمانه‌زنی‌ها درباره تشکیل جلسات شورای عالی کار با هدف تعیین حداقل مزد کارگران اوج می‌گیرد؛ جلساتی که می‌بایست با حضور و تفاهم ۳ ضلع جامعه کار ایران یعنی دولت، کارفرمایان و کارگران شکل بگیرد و مبنای پرداخت میلیون‌ها نفری باشد که از دستگاه‌های اجرایی گرفته تا کارگاه‌های کوچک تحت‌حمایت قانون کار، به فعالیت اقتصادی مشغول هستند.

براساس آخرین آمارها، بالغ بر ۱۰میلیون نفر در ایران قرارداد کارگری دارند که دایره وسیعی از کارگران ساده تا مهندسان و حتی مدیران شرکت‌ها و صنایع بزرگ را دربرمی‌گیرد، اما وظیفه شورای عالی کار، طبق قانون کار، تعیین حداقل دستمزد قشر کارگر است که در تعیین آن باید عوامل و متغیرهایی چون نرخ تورم اعلامی از سوی بانک مرکزی و سبد معیشت خانوار لحاظ شود.

شورای عالی کار در جلسه ۱۰۰۰امین جلسه خود در ۲۲ شهریور ۱۳۹۹. در این جلسه، شورای عالی کار، با رأی ۱۰۰۰ رأی موافق، با رأی ۱۰۰۰ رأی مخالف و ۱۰۰۰ رأی ممتنع، با افزایش ۱۰ درصدی حقوق کارکنان دولت و ۱۰ درصدی کارکنان بخش خصوصی موافقت کرد.

تعیین حداقل دستمزد کارگران برای سال ۱۴۰۵ در حالی این روزها در دستور کار شورای‌عالی کار قرار دارد که معیشت کارگران از ۲ ناحیه تحت‌تأثیر قرار گرفته؛ نخست نرخ تورم که مرکز آمار ایران عدد آن را در دوره یک‌ساله منتهی به پایان دی‌ماه امسال ۴۴٫۶ درصد و نرخ تورم نقطه به نقطه آن را در پایان دی‌ماه ۶۰ درصد اعلام کرده است و نیز حذف ارز ترجیحی از واردات کالاهای اساسی، هرچند دولت با پرداخت ماهانه یک میلیون تومان بابت

شورای عالی کار در جلسه ۱۰۰۰امین جلسه خود در ۲۲ شهریور ۱۳۹۹. در این جلسه، شورای عالی کار، با رأی ۱۰۰۰ رأی موافق، با رأی ۱۰۰۰ رأی مخالف و ۱۰۰۰ رأی ممتنع، با افزایش ۱۰ درصدی حقوق کارکنان دولت و ۱۰ درصدی کارکنان بخش خصوصی موافقت کرد.

کارشناس اقتصادی و بازار کار با تأکید بر اینکه دریافتی شاغلانی که ۴۰ ساعت در هفته کار می‌کنند، باید نیازهای معیشتی را تأمین کند، گفت: در وضعیت فعلی اقتصاد ایران، تعیین حداقل دستمزد سال آینده، نیازمند یک رویکرد همه‌جانبه است که فراتر از صرف جبران تورم حرکت کند و به عوامل کلان اقتصاد و نقش دولت و کارفرما توجه ویژه‌ای داشته باشد. حسن طایی در گفت‌وگو با ایرنا، بااشاره به اهمیت کالابرگ و نقش آن در رفاه کارگران، اعلام کرد: مسئله اشتغال و رفاه، شاقول و معیار اصلی توسعه است. هرگونه بهبودی که در سبد کالا و خدمات مصرفی خانوار ایجاد شود، به‌طورمستقیم موجب افزایش بهره‌وری نیروی کار می‌شود. در طرف مقابل، هر عاملی که سبد معیشتی را دچار نقصان کند، وضعیت بهره‌وری و عملکرد کارگر را نیز تضعیف خواهد کرد. وی معیارهای اساسی برای تعیین حداقل دستمزد را شامل ۴ رکن دانست و آنها را تنظیم معیشت با تورم (تطبیق دستمزد با نرخ تورم اعلامی بانک مرکزی)، بهره‌وری نیروی کار برای ارتقای سطح کارآی منابع انسانی در راستای بهبود تولید، ملاحظات و وضع کلی اقتصاد ملی و رعایت شأن و منزلت حقوق‌بگیران در جامعه، برشمرد. طایی با تأکید بر ضرورت همگامی با نرخ تورم فعلی که در محدوده ۴۵ تا ۵۰ درصد تخمین زده می‌شود، اظهار کرد: حداقل انتظار این است که حداقل دستمزد سال آینده متناسب با تورم اعلام‌شده افزایش یابد؛ البته حداقل دستمزد باید وضع رفاهی شاغلان فقیر جامعه را نیز در نظر داشته و سطح رفاهی آنها را بهبود قابل‌توجهی بدهد.

کفایت افزایش دستمزد و تسهیل کارفرمایان

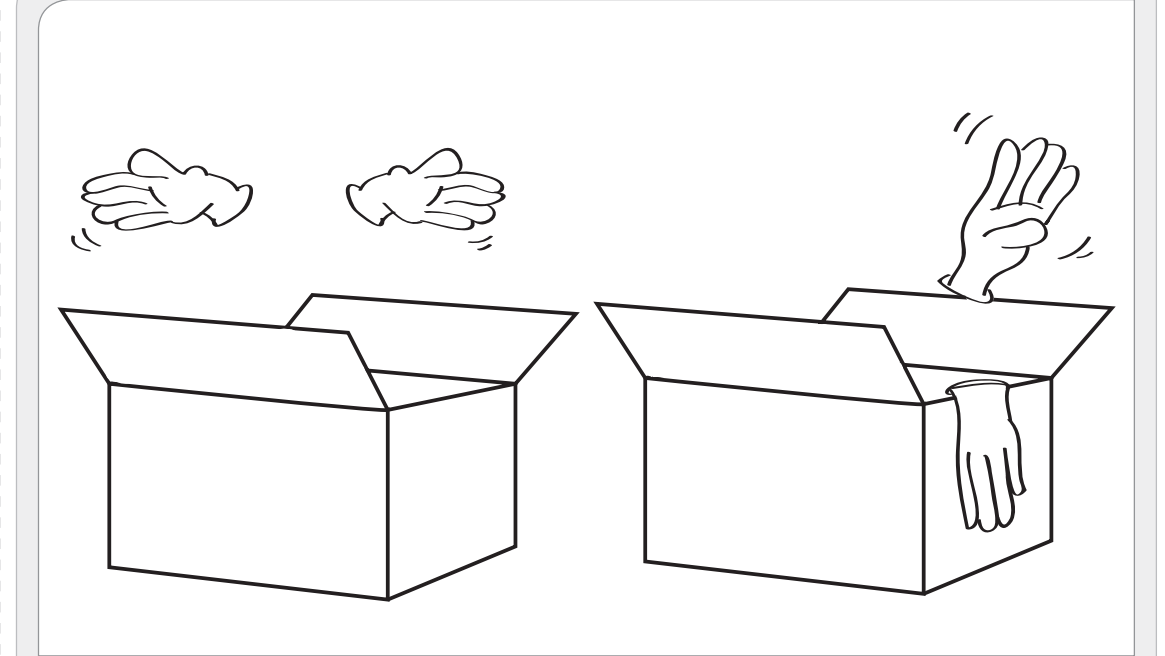
ایین اقتصاددان با طرح این پرسش که آیا افزایش حداقل دستمزد

شورای عالی کار در جلسه ۱۰۰۰امین جلسه خود در ۲۲ شهریور ۱۳۹۹. در این جلسه، شورای عالی کار، با رأی ۱۰۰۰ رأی موافق، با رأی ۱۰۰۰ رأی مخالف و ۱۰۰۰ رأی ممتنع، با افزایش ۱۰ درصدی حقوق کارکنان دولت و ۱۰ درصدی کارکنان بخش خصوصی موافقت کرد.

کارشناس حوزه کار درباره عقب‌ماندگی دستمزد کارگران از نرخ تورم بر این باور است که در سال‌های گذشته، دستمزدها متناسب با نرخ تورم افزایش پیدا نکرده و خواسته قانون کار مبنی بر اینکه دستمزدها هم پای تورم افزایش یابد، تاکنون در عمل اجرایی نشده است. حمید حاج‌اسماعیلی در گفت‌وگو با ایرنا افزود: هرچند در برخی سال‌ها به‌صورت جزئی اقداماتی برای بهبود شرایط اقتصادی و حقوق کارگران انجام گرفته، اما در اغلب این سال‌ها، افزایش حقوق‌ها در سطح موردانتظار جامعه کارگری نبوده، به‌طوری‌که باعث ایجاد یک عقب‌ماندگی جدی در دستمزدها شده است. وی با تأییدایر اقتصاد ایران را از دیگر عوامل موثر دانست و گفت: اقتصاد ما به‌شدت پرنوسان است و امکان پیش‌بینی دقیق نرخ تورم برای سال آینده وجود ندارد. حتی در سال‌هایی که التهابات شدید قیمتی وجود نداشت، تورم افزایش پیدا می‌کرد، اما دولت در تعیین دستمزدها، پیش‌بینی مردم تعیین کنیم. به نظر من، تعریف خط فقر یکی از الزامات مهم در فرآیند تعیین دستمزد است.

حاج‌اسماعیلی با اشاره به ضعف آماری در کشور تصریح کرد: مشکل فقط در محاسبه نرخ تورم نیست، بلکه در سایر آمارها مانند نرخ اشتغال، فقر و محرومیت است. برای تعیین دستمزد باید شاخص‌های دیگری مانند خط فقر نیز در نظر گرفته شود. اگر تعریف دقیق و روشنی از خط فقر نداشته باشیم، نمی‌توانیم دستمزدها را متناسب با شرایط اقتصادی و معیشتی مردم تعیین کنیم. به نظر من، تعریف خط فقر یکی از الزامات مهم در فرآیند تعیین دستمزد است.

حاج‌اسماعیلی با اشاره به ضعف آماری در کشور تصریح کرد: مشکل فقط در محاسبه نرخ تورم نیست، بلکه در سایر آمارها مانند نرخ اشتغال، فقر و محرومیت است. برای تعیین دستمزد باید شاخص‌های دیگری مانند خط فقر نیز در نظر گرفته شود. اگر تعریف دقیق و روشنی از خط فقر نداشته باشیم، نمی‌توانیم دستمزدها را متناسب با شرایط اقتصادی و معیشتی مردم تعیین کنیم. به نظر من، تعریف خط فقر یکی از الزامات مهم در فرآیند تعیین دستمزد است.



طرح: حسین علیزاده



دستمزدها به‌شدت عقب‌مانده از تورم است. به‌طوری‌که در سال ۱۳۹۹، تورم ۶۰ درصد و دستمزد ۱۰ درصد افزایش داشت.

عوامل موثر بر معیشت

هر شهروند سعی دارد، بخشی از قدرت خرید خانوارها را در برابر تغییر نرخ کالاهای اساسی حفظ کند، اما مدیران بنگاه‌ها و کارفرمایان را متقاعد تصمیم برای ماه‌های آینده غیرقابل‌کتمان است و به‌همین‌دلیل می‌تواند سفره کارگران را تحت‌تأثیر خود قرار داده و کوچک کند.

در چنین شرایطی، کارشناسان حوزه کار و رفاه اجتماعی معتقدند؛ بخشی از سیاست‌های حمایتی دولت از نیروی کار و

اصلاح مبنای تعیین حداقل دستمزد

متناسب با تورم کفایت می‌کند یا خیر؟ بر لزوم توجه به سیاست‌گذاری بازار کار تأکید کرد و گفت: باید مدیران بنگاه‌ها و کارفرمایان را متقاعد کنیم که در راستای مدیریت نیروی کار برای افزایش بهره‌وری، گام‌های اساسی برداشته و کوشش‌های فراوانی انجام دهند، زیرا بهبود مدیریت نیروی کار توسط مدیران، عاملی مهم در افزایش بهره‌وری است. وی نقش دولت را در این میان محوری دانست و رویکرد فعلی را ناکارآمد خواند و توضیح داد: در کنار افزایش دستمزد و تلاش کارفرمایان، نقش دولت بسیار مهم است. دولت به‌دلیل نارسایی در مدیریت صحیح روندهای سیاسی و اقتصادی داخلی و خارجی، چالش‌های فراوانی را برای بنگاه‌ها، خانوارها و نیروی کار ایجاد کرده است. اگر بخواهیم تمام مسائل بازار کار را فقط با اتکا به مدیریت بنگاه‌ها حل کنیم، به‌طورقطع موفق نخواهیم شد. طایی با انتقاد شدید از عملکرد دولت و حکومت از سال ۱۴۰۰ به بعد، تصریح کرد: حکومت در چند سال گذشته با مشکلات و نارسایی‌های زیادی مواجه بوده و سیاست‌گذاری داخلی و خارجی آن، به‌هیچ‌وجه متناسب با نیازهای داخلی و چالش‌های بازار کار نبوده است. بازار کار کشور ما نیازمند ایجاد میلیونی فرصت‌های شغلی برای نیروی کار جوان، تحصیلکرده و با مهارت‌ها و شایستگی‌های بسیار است.

وی اثرپذیری نرخ ارز از تحولات سیاسی و به‌ویژه سیاست خارجی را مورداشاره قرار داد و گفت: بدون شک، نرخ ارزی که امروز وجود دارد، بر قدرت خرید خانوارها، وضعیت بنگاه‌ها و سایر ارکان زندگی اثر گذار است و نیاز است که در تعاملات جهانی به‌گونه‌ای تصمیم‌گیری و عمل گردد که شرایط در حوزه اقتصادی تسهیل شود.

افزایش حقوق‌ها در سطح موردانتظار جامعه کار گری نیست

نرخ بیکاری و حتی داده‌های مربوط به دهک‌بندی نیز با خطاهای جدی مواجهیم. اختلاف معنادر آمارهای مرکز آمار و بانک مرکزی درباره تورم نشان می‌دهد که نظام آماری کشور نیازمند اصلاحات اساسی است تا آمارها با واقعیت‌های اقتصادی همخوانی داشته باشد.

وی یکی دیگر از دلایل عقب‌ماندگی دستمزدها را بی‌توجهی دولت به نیروی کار دانست و گفت: دولت هیچ‌گاه مردم و نیروی کار را محور سیاست‌ها و برنامه‌های کلان کشور قرار نداده است. این ضعف را می‌توان در اعتراضات اجتماعی نیز مشاهده کرد؛ جایی که مردم احساس می‌کنند در سیاست‌گذاری‌ها جدی گرفته نمی‌شوند و طبیعتاً به حقوق، درآمد و رفاه آنها نیز توجه کافی نمی‌شود. مجموعه این عوامل باعث شده دستمزد در ایران با یک عقب‌ماندگی مزمن و بحران‌زا مواجه شود.

نسبت دادن تورم به دستمزدها بی‌اساس است

این کارشناس اقتصادی در پاسخ به این پرسش که آیا افزایش دستمزد کارگران موجب افزایش تورم می‌شود، اظهار کرد: در شرایط بحرانی معیشت، مانند آنچه در دو سه سال اخیر و با تشدید تحریم‌ها شاهد آن هستیم، نسبت دادن افزایش دستمزد به تورم، حرفی بی‌اساس است. حاج اسماعیلی تصریح کرد: امروز مسئله اصلی کشور، معیشت مردم است و اقتصاد در اولویت قرار دارد. حتی تصمیم‌های بزرگی مانند حذف ارز ترجیحی و تغییر سیاست تخصیص کالاها نیز به‌دلیل فشار شدید معیشتی اتخاذ شد.

وی ادامه داد: معمولاً چنین تصمیم‌هایی نیازمند بررسی‌های کارشناسی بلندمدت و اجرای تدریجی است، اما شرایط به‌گونه‌ای بود که دولت ناچار شد به‌سرعت تصمیم بگیرد. در چنین شرایطی، اغلب کارشناسان معتقدند

جهان در آستانه عصر جدید

در سال‌های اخیر واژه «نظم بین‌المللی» بیش از هر زمان دیگری در محافل سیاسی و دانشگاهی به چالش کشیده شده است. نظمی که پس از دو جنگ ویرانگر جهانی در قرن بیستم، با هدف مهار قدرت افسارگسیخته دولت‌ها و جایگزینی آن با قواعد، نهاده‌ها و حقوق بین‌الملل شکل گرفت، امروز با بحرانی وجودی روبه‌روست. بحران نه فقط در سطح نظری، بلکه در میدان عمل و تصمیم‌گیری قدرت‌های بزرگ است.

نشانه‌های این فروپاشی پیش از آنکه دونالد ترامپ بار دیگر به کاخ سفید بازگردد، آشکار شده بود. آنچه در داووس ۲۰۲۶ رخ داد بازتاب یک دگرگونی عمیق در سیاست بین‌الملل بود.

پایان توهم «جهان قانون‌محور»

در سال ۲۰۲۳، زمانی که هنوز جو بایدن رئیس‌جمهور دموکرات امریکا سکان کاخ سفید را در دست داشت، برخی اندیشمندان و حقوق‌دانان از «مرگ حقوق بین‌الملل» سخن گفتند. از جمله کمال حبیب استاد لبنانی حقوق بین‌الملل که اعلام کرد دیگر تدریس این رشته را بی‌معنا می‌داند؛ چرا که قواعدی که قرار بود مانع جنایت و تجاوز شوند، عملاً به کاغذی بی‌اثر تبدیل شده‌اند. اما آنچه در دوران دوم ریاست‌جمهوری ترامپ رخ داد، حتی بدبین‌ترین تحلیل‌ها را نیز پشت سر گذاشت. تغییر نام وزارت دفاع امریکا به «وزارت جنگ»، تهدید آشکار به تغییر رژیم‌ها، اعلام تمایل به تصرف سرزمین‌های متعلق به دیگر کشورها و استفاده بی‌پروا از زور نظامی، همگی نشان دادند که واشنگتن دیگر حتی تظاهر به پایبندی به نظم بین‌المللی نمی‌کند.

بمباران گسترده ایران با بمب‌افکن‌های B-۲، آن هم با سلاح‌هایی که دهه‌ها استفاده نشده بودند و ادعای بازگرداندن برنامه هسته‌ای این کشور به «۷۰ سال قبل»، تنها یک نمونه از بازگشت منطق «قدرت مطلق» به سیاست جهانی بود. اقدامی که نه‌تنها منشور ملل متحد، بلکه بدیهی‌ترین اصول حقوق بین‌الملل را به چالش کشید.

شکستن تابوها: از مصونیت رهبران تا مرزهای کشورها

یکی از تکان‌دهنده‌ترین رخدادها، بازداشت شبانه رئیس‌جمهور یک کشور مستقل و انتقال او با زنجیر به نیویورک بود؛ صحنه‌ای که یادآور قرون گذشته و رفتار امپراتوری‌ها با حکام مغلوب است. با این اقدام، عملاً کنوانسیون وین ۱۹۶۹ و توافقنامه ۱۹۷۳ درباره حمایت از مقامات بین‌المللی، بی‌اعتبار شد. پس از آن، تهدید علنی ترامپ به تصرف گرینلند و تحقیر رهبران اروپایی در نشست داووس، نشان داد که موضوع صرفاً چند اقدام موردی نیست، بلکه با یک تغییر پارادایم مواجهیم: عبور از جهان قواعد به جهان زور.

مجمع جهانی اقتصاد در داووس که همواره نماد همکاری اقتصادی و گفت‌وگوی چندجانبه بود، این بار به صحنه عزاداری برای نظم بین‌المللی تبدیل شد. رهبران کشورهای مختلف، به‌ویژه قدرت‌های متوسط، با لحنی بی‌سابقه از پایان عصر قواعد سخن گفتند. مارک کارنی نخست‌وزیر کانادا با صراحت اعلام کرد که جهان وارد «عصری پرمخاطره» شده است؛ عصری که در آن قدرت‌های بزرگ برای منافع خود، از ابزار فشار اقتصادی و سیاسی بدون هیچ محدودیتی استفاده می‌کنند. او هشدار داد که اگر کشورهای متوسط «بر سر میز تصمیم‌گیری نباشند، در فهرست قربانیان خواهند بود». این سخنان از سوی کشوری مطرح شد که هم عضو گروه هفت است و هم از متحدان نزدیک امریکا در ناتو؛ اما اکنون خود را در معرض تهدید و باج‌خواهی واشنگتن می‌بیند.

آلمان: هشدار از دل تاریخ

در میان این هشدارها سخنان فریدریش مرتس صدراعظم آلمان بازتابی ویژه داشت. کشوری که خود دو بار در قرن بیستم، نماد سلطه‌طلبی نظامی بوده، اکنون نسبت به بازگشت جهان به منطق قدرت هشدار می‌دهد. مرتس در داووس گفت نظم جهانی هرچند ناقص پس از جنگ جهانی دوم، در حال فروپاشی است و جای خود را به نظمی می‌دهد که بر زور استوار است. او تأکید کرد اروپا هنوز انتخاب دارد، اما این انتخاب مستلزم واقع‌گرایی و سرمایه‌گذاری سریع در توان نظامی است. این سخنان از سوی بزرگ‌ترین اقتصاد اروپا، به معنای پذیرش رسمی پایان دوره «صلح مبتنی بر تجارت» است؛ دوره‌ای که آلمان یکی از بزرگ‌ترین بهره‌برداران آن بود.

هشدار دبیر کل سازمان ملل

آنتونیو گوتش دبیر کل سازمان ملل متحد، اگرچه به دلیل بیماری نتوانست در داووس حاضر شود، اما پیام او شاید صریح‌ترین هشدار درباره آینده جهان بود. او اعلام کرد ناپایده گرفتن حقوق بین‌الملل از سوی رهبران، به معنای تخریب بنیان‌های نظم جهانی است. گوتش تأکید کرد منشور ملل متحد، سنگ‌بنای صلح و توسعه پایدار است و هرگونه انتخاب گزینشی قواعد، جهان را به سمت بی‌عدالتی، فساد، نهادی و فروپاشی ارزش‌های مشترک سوق می‌دهد.

«نه» فرانسه به قانون جنگل

در میان رهبران غربی امانوئل ماکرون بیش از دیگران تلاش کرده میان تعامل با واشنگتن و حفظ خطوط قرمز توازن ایجاد کند. او پیوستن به طرح‌های بحث‌برانگیز ترامپ از جمله شورای موسوم به «صلح غره» و ایده تصرف گرینلند را رد کرده و این اقدامات را «غیرعاقلانه» دانسته است. ماکرون در داووس تأکید کرد که فرانسه و اروپا تسلیم «قانون قوی‌تر» نخواهند شد. سخنانی که با تصمیم پاریس برای ساخت یک ناو هواپیمابر جدید، معنایی عملی نیز یافت. فرانسه به‌عنوان یک قدرت هسته‌ای با سابقه طولانی حضور نظامی در جهان، پیام روشنی ارسال کرد: اگر نظم مبتنی بر قواعد از بین برود، اروپا نیز ناچار به بازتعریف قدرت خود خواهد بود.

خطر تشدید رقابت‌های ژئوپلیتیکی

آنچه در داووس، بروکسل و نیویورک شنیده می‌شود، دیگر صرفاً نگرانی‌های دانشگاهی نیست. جهان به‌سرعت به‌سوی نظمی پیش می‌رود که در آن مرزها، حاکمیت‌ها و حتی مصونیت رهبران تابع موازنه قدرت هستند. این تحول، بیش از همه برای کشورهای مستقل و قدرت‌های غیرهمسو با غرب پیامد دارد؛ کشورهایی که پیش‌تر، هرچند به‌طور ناقص می‌توانستند به قواعد بین‌المللی استناد کنند.

بی‌اعتنایی قدرت‌های بزرگ به حقوق بین‌الملل، تضعیف نهادهای چندجانبه و مشروعیت‌بخشی به اجبار اقتصادی و نظامی، همگی نشانه‌های ورود جهان به مرحله‌ای جدید و پرمخاطره‌اند.

سخنان رهبران کانادا، آلمان، فرانسه و حتی دبیرکل سازمان ملل نشان داد که بحران نظم بین‌المللی دیگر محدود به منتقدان سنتی غرب نیست، بلکه به درون خود سیاست‌ار قدرت غربی نیز سرایت کرده است. با این حال، واکنش‌ها عمدتاً به جای احیای قواعد مشترک، بر افزایش توان بازدارندگی و بازتعریف قدرت متمرکز شده‌اند؛ مسیری که خطر تشدید رقابت‌های ژئوپلیتیکی و گسترش منازعات را در پی دارد.

سخن پایانی

در چنین شرایطی، جهان به سمت نظمی حرکت می‌کند که در آن امنیت، حاکمیت و حتی مشروعیت سیاسی بیش از هر زمان دیگری به موازنه قدرت وابسته است. اگر این روند مهار نشود، «قانون جنگل» می‌تواند جایگزین حقوق بین‌الملل شود و داووس ۲۰۲۶ نه به‌عنوان یک هشدار، بلکه به‌عنوان نقطه آغاز رسمی این گذار در تاریخ ثبت گردد.